عکس: رؤفه رستمی

زهرا کریمی، اقتصاددان، در گفت‌وگو با «شرق» سیاست‌های اشتغال‌زایی در برنامه هفتم را نقد کرد

برنامه‌ای بدون چشم‌انداز

بنیامین نجفی: برنامه هفتم توسعه در حالی به مجلس ارائه شد که بسیاری منتظر راهبردهای این سند پنج‌ساله در حوزه اشتغال بودند. موضوعی که به عنوان یک ابرچالش در اقتصاد ایران مطرح است و دولت سیزدهم هم از دو سال پیش وعده‌های زیادی را برای رفع معضل بی‌کاری به مردم داده بود. اما حالا انعکاس وعده‌های بلندپروازانه دولت در برنامه هفتم نشان می‌دهد که ظاهرا سیاست‌گذاران و برنامه‌نویسان در کشور نگاه و استراتژی روشن و منسجمی در حوزه اشتغال‌زایی ندارند؛ به‌خصوص که جای خالی برای رشد اشتغال زنان نیز در این برنامه به وضوح دیده می‌شود. زهرا کریمی، استاد اقتصاد دانشگاه مازندران، در گفت‌وگو با «شرق» به تفصیل محورهای مهم برنامه هفتم را که به بحث اشتغال پرداخته، مورد نقد و واکاوی قرار داده است. به گفته کریمی، از یک منظر کلی برنامه هفتم توسعه در زمینه اشتغال‌زایی نوعی بازگشت به دوران برنامه چهارم در زمان محمود احمدی‌نژاد است؛ زمانی که بیشتر سیاست‌های مبتنی بر وام‌های ارزان‌قیمت و زودبازده رواج داشت. آن‌طور که این استاد دانشگاه می‌گوید برنامه‌نویسان در تدوین و تنظیم این برنامه از اشتباهات گذشته درس نگرفته‌اند.

◆ دولت سیزدهم از ابتدا شعارهای زیادی را در حوزه اشتغال‌زایی مطرح کرد. در برنامه هفتم توسعه به طور مشخص چه اهدافی برای بازار کار برنامه‌ریزی شده است؟

به طور کلی هیچ عنوان مستقلی در برنامه هفتم به بازار کار و مشکل اشتغال اختصاص داده نشده است. با توجه به اینکه گاه راجع به اشتغال زنان صحبت می‌شده، در بخش زنان هم مسئله خاصی دراین‌باره مطرح نشده است. اگر بخواهم درباره بخش زنان در لایحه صحبت کنم، مهم‌ترین هدفی که در رابطه با زن، خانواده و جمعیت وجود دارد، در فصل شانزدهم آن است. آموزش الگوهای صحیح همسرگزینی و ترغیب ازدواج بهنگام برای صد هزار نفر ازجمله این برنامه‌هاست و احتمالا قرار است دوره‌هایی آموزشی برای آنها گذاشته شود. اگر این را با هدف اشتغال زنان مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که ارتقای توانمندی‌ها و مهارت‌های شغلی زنان به صورت کمی دیده شده که در واقع همان الگوی صحیح همسرگزینی است.

به نظر می‌رسد نویسندگان این برنامه، تصویر دقیقی از مشکلات کشور ندارند و توجه نمی‌کنند که مسئله جمعیت، مسئله کاهش ازدواج و افزایش طلاق موضوعات مهم فرهنگی و اقتصادی است. اینکه فرهنگ تغییر کرده و شرایط اقتصادی نامناسب است. سیاست‌گذاران فکر می‌کنند با این دوره‌های آموزشی می‌توانند به صورت یکباره وضعیت ازدواج را تغییر بدهند، بدون اینکه مسائل اقتصادی در اولویت قرار بگیرد.

◆ سمت و سوی برنامه هفتم توسعه درباره توانمندسازی زنان چیست؟

کل بحثی که به زنان پرداخته شده در دو صفحه است که در آنجا هم بحث جمعیت و خانواده در اولویت است و بر کاهش طلاق تأکید شده است. البته روی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار هم تأکید شده ولی بدون اینکه هیچ برنامه مشخصی برای آن عنوان شده باشد.

تدوین برنامه اشتغال بانوان با رعایت نقش زن در خانواده، یعنی همان بحثی که در اشتغال خانگی مطرح می‌شود که در حد یک عنوان کلی در اینجا روی آن تأکید شده است. اولویت اصلی برای زنان نقش زن در خانواده است که معلوم نیست دولت می‌خواهد درباره آن دقیقا چه کار کند. آیا می‌خواهد بار دیگر یک وام اشتغال خانگی بدهد؟ اگر خانم‌ها در خانه‌شان می‌توانند کار کنند، بخش بزرگی از خانوار کم‌درآمد و حتی خانوار با درآمد متوسط الان مشغول به کاری هستند و سعی می‌کنند به درآمد خانواده اضافه کنند. اینکه این مسئله را می‌خواهند چه کار کنند کاملا مبهم و کلی است. به طور کلی برنامه هفتم تصویری از مشکل بزرگ بازار کار زنان به دست نمی‌دهد و برنامه‌ای هم ندارد و همین‌طور بحث اشتغال جوانان در آن موضوع مطرحی نیست. در مورد موضوع گرایش فزاینده به مهاجرت از کشور هم چیز مشخصی در بخش زنان مشاهده نمی‌شود.

◆ با این تفاسیر تأکیدات برنامه هفتم توسعه در حوزه زنان چیست؟

آن چیزهایی که مطرح شده، حفظ جنین و تخمک است. همان چیزهایی که در این سال‌ها با کاهش رشد جمعیت روی آن تأکید شده بود، در برنامه هفتم هم بسیار پررنگ است. در برنامه روی کاهش سن ازدواج تأکید شده و همین‌طور رسیدن نرخ موالید به ۲.۵ در هزار. به نظر می‌رسد افرادی که این برنامه را نوشتند، توجه چندان جدی‌ای به وضعیت کاهش شدید رشد جمعیت و منفی‌شدن رشد آن در سال‌های آینده بر اثر شرایط نامناسب اقتصادی و تشدید گرایش به مهاجرت نداشته‌اند. در واقع مسائل عمده اقتصادی نادیده گرفته شده و بیشتر به همین بحث‌ها و نصیحت در کارگاه‌ها یا بحث‌های جلوگیری از سقط جنین و امثال آن پرداخته شده است.

◆ به نظر می‌رسد برنامه هفتم توسعه مسائل اصلی زنان را تقریبا نادیده گرفته است؟

متأسفانه به نظر می‌آید لایحه برنامه هفتم، هیچ نگاهی به نارضایتی دختران و زنان جوان نداشته است؛ چیزی که در ماه‌های گذشته این‌طور به صورت برجسته در جامعه دیده شد و هنوز هم ادامه دارد. در برنامه هفتم، ابتدا آمده که سالانه یک میلیون شغل باید ایجاد شود و اشتغال کشور سالانه ۳.۵ درصد افزایش پیدا کند، ولی اینکه چگونه باید این کار صورت بگیرد مشخص نیست و هیچ تصویر روشنی ندارد. جالب است در این برنامه که پیش‌بینی شده رشد اقتصادی سالانه هشت درصد باشد، چنان رشدهای بالایی برای بخش‌های اقتصادی پیش‌بینی شده که متوسط رشد اقتصادی قطعا می‌تواند از هشت درصد بیشتر بشود. مثلا فقط کشاورزی و سایر خدمات ۵.۵ و ۶.۵ درصد رشد دارد؛ در صورتی که بخش نفت ۹ درصد، آب و برق و گاز هشت درصد، حمل‌ونقل ۱۰ درصد، معدن ۱۳ درصد، صنعت ۸.۵ درصد، ساختمان ۹ درصد و ارتباطات ۱۱ درصد رشد پیش‌بینی شده است. مشخص است اگر همین اعداد را در نظر بگیرید، باید پیش‌بینی رشد ما از هشت درصد هم بالاتر برود.

باز هم می‌بینیم در این برنامه برای تأمین مالی منابعی که مورد نیاز است، مولدسازی و فروش اموال و دارایی‌ها بخشی از پیش‌بینی‌ها بوده است که من نمی‌دانم اگر امسال هم در برنامه هفتم منابعی که در اختیار دولت است به صورت دارایی‌های غیرمنقول به فروش گذاشته شود و این وضع ادامه پیدا کند، برای برنامه هشتم دیگر چه چیزی باقی خواهد ماند. ما واقعا به تحولی نیاز داریم که این تحول در این برنامه دیده نمی‌شود.

◆ آیا برای اشتغال‌زایی از مسیر سرمایه‌گذاری و تأمین مالی و همین‌طور رشد درآمدهای خارجی از مسیر صادرات برنامه هفتم نگاه و برنامه مشخصی ارائه داده است؟

پیش‌بینی شده که سرمایه‌گذاری و تأمین مالی خارجی حداقل ۱۰ میلیارد یورو باشد که البته مشخص نیست این یورو از کجا قرار است تأمین شود. بحث‌هایی که اینجا مطرح شده کاملا کلی است. به پروژه‌های صادرات‌گرا و ارزآور پرداخته شده ولی اصلا بخشی در برنامه هفتم برای صنعت وجود ندارد. در مورد کشاورزی به طور مستقل یک‌سری موارد پراکنده مطرح شده، ولی در مورد صنایع و معادن برنامه خیلی مشخصی وجود ندارد. احتمالا پس‌زمینه این ماجرا، این است که اگر مشکلات حل بشود، بخش صنعت باید خودش رشد خوبی را تجربه کند. تنها چیزی که در همان ابتدا دیدم بهبود فضای کسب‌وکار است که مجوزها را راحت‌تر بدهند. در حال حاضر سال‌هاست این حرف گفته می‌شود ولی عمل شایان توجهی در این مسیر دیده نشده است. بنابراین در نهایت تصویر روشنی از بخش صنعت و معدن و اشتغال آن در برنامه نمی‌بینیم.

◆ در حوزه خصوصی‌سازی و واگذاری دارایی‌ها و بنگاه‌های دولتی قرار است چه اتفاقاتی رخ بدهد؟

موضوعی که روی آن تأکید شده، مردمی‌سازی اقتصاد است؛ همان چیزی که در دوره احمدی‌نژاد اتفاق افتاد. زمانی که از واژه خصوصی‌سازی خوششان نمی‌آمد، از کلمه مردمی‌سازی استفاده می‌کردند. الان هم همین اتفاق افتاده است. اینکه سهام کارخانه را به مردم می‌فروشند و مدیریت آن در اختیار دولت باقی می‌ماند. این تصویر ناموفق برنامه چهارم دوران احمدی‌نژاد است که حالا در برنامه هفتم هم تکرار شده است. این واقعا حیرت‌انگیز است.

ما در سال‌های پیش هم شاهد بودیم که نمایندگان مجلس تأکید کردند که وام‌های ارزان‌قیمتی به طرح‌های اشتغال‌زا در مناطق روستایی داده شود که به یک فساد گسترده ختم شد. برای اینکه خیلی از بنگاه‌ها سعی کردند به نوعی خودشان را به فعالیت‌های روستایی بچسبانند و با روابطی که داشتند، وام‌های بسیار ارزان و سخاوتمندانه را به دست آوردند. عجیب است که ما اصلا از این تجارب گذشته درسی نمی‌گیریم؛ اینکه چقدر موفقیت‌آمیز بوده که حالا دوباره برنامه هفتم دارد آن مسیر را می‌رود. به نظر می‌آید کسانی که این قسمت از اشتغال برنامه هفتم را نوشته‌اند، افرادی بوده‌اند که زمان آقای عبدالملکی در وزارت کار جذب شدند و هنوز هم به کار خودشان ادامه می‌دهند. برای اینکه آنجا نهادی به نام «رصد ملی اشتغال» ایجاد کردند و در آنجا گفتند اشتغالی که ایجاد می‌شود، بر اساس گزارش‌های ادارات مختلف رصد می‌شود. من نمی‌دانم دیدن سهمیه‌بندی اشتغال برای ادارات از سوی برنامه هفتم چه معنایی دارد؟ شما چطور می‌توانید برای اشتغال سهمیه‌بندی کنید، درصورتی‌که خود بخش صنعت و معدن در این برنامه اصلا حضور ندارد.

◆ در واقع به نظر می‌رسد به دوران پرداخت تسهیلات زودبازده به بنگاه‌های کوچک و خرد که در دوره احمدی‌نژاد باب شد، برگشته‌ایم؟

مهم‌ترین ابزار ایجاد اشتغال در دهه‌های طولانی، دادن وام‌های ارزان‌قیمت بوده است که با وجود اینکه می‌دانیم چه رانت ویژه‌ای را برای یک گروه ایجاد کرد و به فساد دامن زد، همچنان ساده‌ترین و دم‌دستی‌ترین روش همان است. اینجا در برنامه آمده که تسهیلات اعطایی به کسب‌وکارهای خُرد خانگی و کارگاه‌های خُرد به صورت قرض‌الحسنه و درباره کارگاه‌های کوچک به صورت تسهیلات ارزان‌قیمت است. پس به آنها قرض‌الحسنه می‌دهند؛ یعنی اصلا بهره‌ای هم نمی‌دهند. کارگاه‌های کوچک هم تسهیلاتش ارزان است. مابه‌التفاوت نرخ تسهیلات ارزان را هم باید حتما دولت بپردازد. بانک‌ها که تمایل ندارند چنین وام‌هایی را پرداخت کنند و مردم هم که برای گرفتن چنین وام‌هایی صف می‌کشند، معلوم نیست که چه اتفاقی خواهد افتاد. آیا از دل آن اشتغالی ایجاد می‌شود یا مردم خلأهای زندگی‌شان را پر می‌کنند؟

ما دهه‌هاست این کارها را انجام داده‌ایم، ولی ارزیابی نداریم. آمارهای مرکز آمار نشان می‌دهد که ما تا چه حد موفق بوده‌ایم یا نبوده‌ایم.

باید در نظر داشت که همواره در اقتصاد موضوع تورم و بی‌کاری دو هدف متضاد هستند. اگر شما بخواهید تورم را پایین بیاورید، باید سیاست‌های انقباضی اعمال کنید که می‌تواند بی‌کاری را بالا ببرد. از سوی دیگر، می‌خواهیم در برنامه هفتم نرخ تورم را از تورم بسیار بالا به ۹ درصد برسانیم. حالا این دو را چگونه می‌توان با هم جمع کرد، مشخص نیست.

◆ آمارهای کاهش نرخ بی‌کاری که دولت سیزدهم به آن استناد می‌کند، چقدر قابل اتکاست؟

در کل بازار کار ایران وضعیت خوبی ندارد و این وعده یک میلیون شغل و بعد یک‌سری آمارهایی که مرکز ملی رصد اشتغال از سوی وزارت کار منتشر می‌کند، به‌هیچ‌وجه قابل اتکا نیست. آن چیزی که طی سال‌ها وجود داشته، آمار اشتغال و بی‌کاری است که به صورت نمونه‌گیری هر فصل از سوی مرکز آمار ایران منتشر می‌شود و وضعیت بازار کار را قابل مقایسه می‌کند که باید به همان هم ارجاع کرد. بر اساس آمارهای رسمی، در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ کمتر از ۲۷۰ هزار شغل یعنی نزدیک به ۲۶۹ هزار شغل در کشور ایجاد شده که واقعا آمار بسیار ضعیفی است. الان آمارهای سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ را اگر نگاه کنیم، می‌بینیم در فاصله سال‌های ۹۵ تا ۹۶ معادل ۷۹۰ هزار شغل ایجاد شده که البته آن هم بعد از برجام بوده است. در آن فضای خوش‌بینی بنگاه‌های زیادی نیرو استخدام کردند؛ به همین دلیل حول‌وحوش ۸۰۰ هزار شغل در آن سال ایجاد شده است. سال ۹۷ معادل ۳۵۰ هزار و سال ۹۸ با اینکه زمان خروج آمریکا از برجام است هم ۵۴۳ هزار شغل ایجاد شده بود. البته بحث‌های جدی وجود داشت که در آن سال‌ها با توجه به رشد منفی اقتصاد قطعا مشاغلی که ایجاد شده، در بخش‌هایی با بهره‌وری پایین بوده است.

◆ در شرایطی که نرخ خروج سرمایه بالاست و سرمایه خارجی چندانی جذب نمی‌شود، دولت چگونه اشتغال ایجاد کرده است؟

توان اشتغال‌زایی کشور در پنج، شش سال اخیر به‌شدت افت کرده است؛ چراکه آن‌قدر همه جا اشباع شده، راننده‌های اسنپ اشباع شدند، دست‌فروش‌ها اشباع شدند و ما می‌بینیم که رشد اشتغال به‌شدت کم شده و متأسفانه فعالیت‌های غیرقانونی، یعنی انواع و اشکال قاچاق به صورت کولبر و قاچاق بنزین و گازوئیل زیاد شده است.

برای مثال زمانی که رشد اقتصاد منفی بود، ثبت‌نام تاکسی‌های اینترنتی به‌شدت بالا رفته بود. امروز ما حدود پنج میلیون نفر راننده تاکسی‌های اینترنتی داریم. البته بعضی‌های‌شان ممکن است که شغل دوم‌شان باشد، ولی شغل اصلی بعضی‌ها همین است. گویی که بالای ۲۰ درصد از کل شاغلان ایران در همین تاکسی‌های اینترنتی کار می‌کنند. همین‌طور درباره دست‌فرشان نیز این وضعیت وجود دارد و آمار آنها در شهرهای مختلف بالا رفته است.

◆ آیا بازار کار ایران پس از کرونا توانسته است خود را ترمیم کند؟

در سال‌های ۹۸ و ۹۹ با بروز کرونا، تعداد شاغلان کشور بیش از یک میلیون نفر کم شد که اشتغال زنان هم از آن آسیب زیادی دید؛ اما از سال ۱۴۰۰ با کاهش کرونا وضعیت اشتغال کم‌کم بهتر می‌شود. در فاصله سال‌های ۹۹ تا ۱۴۰۰ حول‌وحوش ۱۸۰ هزار شغل ایجاد شد؛ یعنی یک میلیون شغل که قبلا از بین رفته بود، ۱۸۰ هزار شغل در فاصله سال‌های ۹۹ تا ۱۴۰۰ ایجاد شد؛ یعنی کم‌کم بازار کار به حالت عادی خودش برمی‌گشت. ولی سال ۱۴۰۱ که دیگر عملا کرونایی وجود نداشته و وضعیت عادی در اقتصاد بوده، در مجموع کمتر از ۲۷۰ هزار شغل ایجاد شد که اگر با سال‌های قبل مقایسه کنیم، یعنی قبل از کرونا سال بسیار ضعیفی است. نهایتا عملکرد بازار کار ما بر اساس آمارهای رسمی در سال ۱۴۰۱ بسیار ضعیف بوده است. البته می‌شود گفت که افغان‌های زیادی وارد بازار کار ایران شدند که ممکن است کارفرماها آن را اظهار نکنند یا اینکه وقتی در طرح‌های نمونه‌گیری اشتغال و بی‌کاری مراجعه می‌کنند، اینها را نتوانند ارزیابی کنند؛ چون از خانوار که پرسیده می‌شود، غالبا شمار افغان‌ها را نمی‌گویند. پس آن چیزی که مربوط به نیروی کار ایرانی می‌شود، در سال ۱۴۰۱ عملکرد فوق‌العاده ضعیفی بوده است. افراد بسیار زیادی مشغول کارهای قاچاق هستند؛ حالا چه قاچاق کالا به صورت کولبری و چه قاچاق سوخت به صورت همین بنزین و گازوئیلی که در استان‌های مرزی دارد قاچاق می‌شود. حالا قاچاق مواد مخدر هم مسئله دیگری است. اینها اصلا در آمارها انعکاس پیدا نمی‌کند. ولی قاچاق کالا و قاچاق سوخت به حد درخور توجهی نیروی کار کشور را به سمت خودش جذب می‌کند و اینها در آمارها انعکاس پیدا نمی‌کند. پیشنهاد من این است که اگر می‌خواهیم آن چیزی را که نداشتیم، داشته باشیم، باید کاری را انجام دهیم که تا الان انجام نداده‌ایم. ما واقعا به یک آرامش، ثبات و چشم‌انداز روشن در افق نیازمند هستیم که متأسفانه برنامه هفتم در ایجاد چنین چشم‌اندازی چندان موفقیتی ندارد.

ارزیابی فعالان اقتصادی از ریسک‌های بازگشت سرمایه به کشور به بهانه گزارش بانک مرکزی مبنی بر خروج سالانه بیش از ۱۰ میلیارد دلار سرمایه

برای سرمایه‌گذاران فرش قرمز پهن نکرده‌ایم

شرق: استهلاک سرمایه یکی از مهم‌ترین گرفتاری‌های اقتصاد ایران در شرایط تحریم است. حالا در شرایطی که جذب سرمایه خارجی به کشور بسیار دشوار شده است، گزارش بانک مرکزی حاکی از آن است که سالانه بیش از ۱۰ میلیارد دلار سرمایه از ایران خارج می‌شود. در این وضعیت متولیان کشور از مشوق‌هایی برای بازگشت سرمایه به ایران می‌گویند.

شهاب جوانمردی، نایب‌رئیس اتاق بازرگانی تهران، در این زمینه به «شرق» می‌گوید درحال‌حاضر حفظ سرمایه ایرانیان داخل کشور واجب‌تر است.

او توضیح می‌دهد: «قاعدتا کسانی که درحال‌حاضر در کشور حضور داشته و سابقه سرمایه‌گذاری دارند، اولین و بهترین گزینه‌هایی هستند که سرمایه‌های‌شان را در حوزه‌های مولد و مفید برای کشور نگه دارند و وارد کارهایی مانند سفته‌بازی نشوند یا خروج سرمایه رخ ندهد. قدم بعدی سرمایه‌گذاری ایرانیان مقیم خارج است که فرهنگ و طبیعت سرمایه‌گذاری در ایران را کم‌وبیش می‌شناسند و عرق میهنی هم دارند. پس از آن به جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌رسیم. به این سه بخش باید به همین ترتیب توجه شود؛ چون اگر اولی محقق نشود، دومی و سومی هم محقق نخواهند شد».

او درباره شرایطی که برای جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور لازم است، می‌گوید: «تحقق این موضوع زیرساخت‌ها و پس از آن مشوق‌هایی را می‌خواهد. کسانی که سرمایه‌های‌شان را به کشور بازمی‌گردانند، در دو دسته تخصصی و غیرتخصصی قرار می‌گیرند. برای هر دو گروه آنچه اهمیت دارد، امنیت سرمایه‌های‌شان است. در واقع هم باید به نوعی منابعی که این افراد به کشور آورده‌اند، حفظ شود و هم خروج سود و منافع آن محقق شود. برای سرمایه‌گذار غیرتخصصی هم زیرساخت‌هایی باید وجود داشته باشد که بتواند در قالب یک سرمایه‌گذاری جمعی مشارکت کند. برای مثال در پروژه‌های مهمی در حوزه آب، محیط زیست یا انرژی‌های نو بتوانند سرمایه‌گذاری کنند و مطمئن باشند این سرمایه حفظ می‌شود».

به گفته جوانمردی چنین سرمایه‌گذارهایی با ریسک‌های جدی‌تری روبه‌رو هستند و سرمایه‌گذار انتظار دارد که از محفوظ‌بودن سرمایه‌اش مطمئن باشد و از طرفی برچسبی به سرمایه‌اش زده نشود: «در دوره‌ای شاهد بودیم که عملا اگر ایرانیان خارج از کشور در ایران سرمایه‌گذاری می‌کردند، با دافعه‌ای از سوی دولت مواجه می‌شدند و از سوی برخی فعالان سیاسی گفته می‌شد بخشی از پروژه نفوذ و... هستند. در چنین شرایطی این سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند سرمایه خود را وارد کشور نکنند».

جوانمردی می‌گوید: «به نظر من هر سرمایه‌گذاری ابتدا وضعیت عمومی اقتصادی و سرمایه‌گذاری مقصد سرمایه را چک می‌کند؛ یعنی سیگنال‌هایی که از وضعیت اقتصادی، ثبات اقتصادی و رشد داده می‌شود، برای سرمایه‌گذار مهم است و در اقتصادی که در سرازیری قرار دارد، سرمایه‌اش را وارد نمی‌کند. از سوی دیگر او در اقتصادی که قواعدش با بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها مدام تغییر می‌کند، سرمایه‌گذاری نمی‌کند. وقتی ما ثبات نداشته باشیم، قاعدتا سرمایه‌گذار تردیدهای جدی خواهد داشت. درست است که مزیت انرژی یا نیروی کار ارزان داریم، اما وقتی این سرمایه‌گذاری به دلیل مسائلی مثل ممنوعیت صادرات، نظام قیمت‌گذاری دستوری داخلی و... منجر به خروجی نشود، سرمایه‌گذار ورود نخواهد کرد».

به نظر او شروطی لازم است تا ایرانیان ساکن خارج از کشور به سرمایه‌گذاری در ایران تمایل پیدا کنند که در توضیح آن بیان می‌کند: «اگر می‌خواهیم ایرانیان خارج از کشور را ترغیب کنیم، باید به نحوی اطمینان‌بخشی ایجاد کنیم؛ به شکلی که بگوییم اینجا فقط باید بُعد تخصصی داشته باشی و سایر مسائل فراهم است. تو را درگیر پیچ‌وخم‌های اداری، بوروکراسی و... نمی‌کنیم که خسته شوی و رها کنی. چون پای صحبت بسیاری از سرمایه‌داران ایرانی آن سوی آب که بنشینی، معمولا یکی، دو سال در گام‌های اولیه مانده‌اند و بعد بریده و رها کرده‌اند».

شهروز شریعتی، عضو اتاق بازرگانی ایران نیز معتقد است که اکنون شرایط بازگشت سرمایه به کشور به‌هیچ‌وجه مساعد و مناسب نیست.

او توضیح می‌دهد: «به طور کلی از شاخص‌های نشان‌دهنده حال خوب اقتصاد و یکی از منابع باارزش هر کشور، منابع خارجی است که به کشور می‌آیند. این منابع می‌توانند شرکت‌ها و هلدینگ‌های خارجی باشند یا سرمایه شهروندان کشور که مهاجرت کرده‌اند. در حوزه اقتصاد این واژه در برابر خروج سرمایه قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد ما شرایطی را فراهم کرده‌ایم که نه‌تنها خروج سرمایه نداریم، بلکه بازگشت سرمایه نیز داریم. این مسئله نشان‌دهنده سلامت و ساختار سالم یک اقتصاد و پایداری آن است».

شریعتی ادامه می‌دهد: «اتاق بازرگانی روی بحث بهبود مستمر فضای کسب‌وکار که در برنامه پنجم توسعه آمده بود، کار کرد. در حوزه فساد اداری، سهولت کسب‌وکار و پایداری شاخص‌ها که هرچه در آنها پیشرفت کنیم، باعث می‌شود کسانی بخواهند به ایران بازگردند و سرمایه‌گذاری کنند. نرخ رشد اقتصاد کشور، آشتی با دنیا، تحت تحریم نبودن و سهولت تبادلات با دنیا فرصت‌هایی را برای شکوفایی اقتصاد ایجاد می‌کند و اگر این فرصت‌ها نباشد، به‌سرعت شاهد خروج سرمایه خواهیم بود؛ چون سرمایه‌گذار ترسوترین نهاده است».

به گفته این عضو اتاق بازرگانی، فعلا با وضعیت اشتغال، تعامل با دنیا و بی‌ثباتی ارزش پول ملی بازگشت سرمایه به کشور آمار خوبی ندارد؛ حتی با وجود مشوق‌هایی که دولت برای کسانی که به ایران بیایند و سرمایه‌گذاری کنند، در نظر گرفت.

در کنار مسائلی مانند امنیت سرمایه‌گذاری، یکی از مواردی که سرمایه‌گذاران ایرانی خارج از کشور را برای بازگشت سرمایه مردد می‌کند، مواردی مانند ممنوع‌الخروجی است.

شریعتی توضیح می‌دهد: «اکنون بحث سهولت ورود و خروج بازرگانان در قوه قضائیه وجود دارد و پیگیری می‌شود. ممنوع‌الخروجی یک بازرگان مرگ تاجر به لحاظ کاری است و نشانه خوبی برای دیگر بازرگانان ایرانی خارج از کشور نیست و آنها را می‌ترساند».

او بازگشت سرمایه به ایران را در شرایط فعلی رؤیاپردازانه می‌داند و درعین‌حال از مشکلاتی که حمایت‌های بی‌حساب‌وکتاب می‌تواند ایجاد کند، می‌گوید: «کسی که بازگشته و پول آورده، مشوق‌هایی می‌خواهد. البته این تشویق تیغ دولبه است؛ چون ممکن است پول‌هایی که پول‌شویی شده، به ایران بازگردد. ما کاسبان تحریم زیادی داریم که چون شاخصی برای تمیزبودن پول آنها وجود ندارد، ممکن است با تشویق‌های غیرعادی باعث پول‌شویی از سوی این کاسبان تحریم شویم. در دولت محمود احمدی‌نژاد هم طرحی برای بازگشت سرمایه به ایران گذاشتند که در جریان آن پول‌شویی شد و به کشور ضربه زد».